

غفلت‌های غیر قابل انکار



مهدی روشاندنیا
کارشناس مسکن

شواهد حاکی از آن است که در سال‌های گذشته با وجود اقدامات دولت در راستای تامین مسکن، غفلت‌هایی در این حوزه رقم خورده که تحقق اهداف را غیرممکن کرده‌است. به عنوان نمونه پروژه مسکن مهر کمک کرد فناوری‌های جدید به ساخت مسکن اضافه شود و تولید انبوه را به‌میان آورد، اما در جریان این مسیر، غفلت‌هایی هم وجود داشت که می‌تواند برای طرح‌هایی مانند نهضت ملی مسکن درس‌هایی داشته باشد. از طرفی نبود زیرساخت‌ها، مطلوبیت زندگی و پشتوانه هویتی موجب شده است تا نتوانیم هویت‌سازی موردنظر را در شهرهای جدید انجام دهیم. کسی با ساخت مسکن مخالف نیست، براساس برآوردها، یک میلیون واحد مسکونی در سال نیاز داریم، اما به‌دلایل مختلف، تولیدمان کمتر از ۵۰۰ هزار واحد است. در طرح مسکن مهر، با همه خوبی‌هایی که داشت، یکی از کارهایی که کردیم، این بود که گروهی از آدم‌ها را جدا کردیم و از لحاظ اجتماعی و فرهنگی به اینها برچسب زدیم که توان مالی لازم را ندارند و نوعی تشدید تضاد طبقاتی را دامن زدیم، در حالی که تجربه خیلی از کشورها نشان می‌دهد که این آدم‌ها فاصله زیادی از بقیه افشار ندارند. موضوع آمایش سرزمین، توزیع متناسب و عادلانه امکانات در سطح کشور اهمیت ویژه‌ای دارد. بخش خصوصی با خوش فکری، فناوری و سرمایه خود می‌تواند مسکن را توسعه دهد و دولت باید نقش تسهیل‌گری داشته باشد. این موضوع به این معنا نیست که دولت حذف شود یا اصلا وارد نشود؛ از اتفاق مسکن یکی از عمومی‌ترین بخش‌هاست. اکنون بیش از ۹۰درصد سرمایه‌گذاری‌های بخش مسکن، توسط بخش خصوصی است و امروز خروج سرمایه از بخش مسکن داریم و باید به این فکر کنیم که چرا فرار سرمایه داریم. از سوی دیگر، بعد از جهش نرخ مسکن، سقف تسهیلات افزایش پیدا نکرده، توان تقاضا هم رشد نداشته، در نتیجه توان مصرف‌کننده خود به خود پایین آمده و نیازی نیست به تخریب‌ن توصیه شود. تنها راه‌حل این است که منابع مالی محدود متقاضیان را به‌سمت تولید مسکن هدایت کنیم. انواع مکانیزم‌های تامین مالی در این زمینه وجود دارد که افراد می‌توانند تا ۲، ۳ سال آینده صاحب خانه شوند. با این روش، اوضاع رکودی که در بخش عرضه و تولید مسکن وجود دارد، در مقیاس ۲ یا ۳سال آینده بهتر می‌شود. سال ۱۴۰۱ به‌صورت خاص عوامل بخش عرضه ناشی از نرخ نهادهای ساختمانی و اصلاح نظام پارانهادی منجر به ایجاد تورم در بازار مسکن شد. از طرف دیگر، وقتی بازارهای موازی روند افزایشی به خود گرفتند، متقاضیان خرید مسکن چه از قشر سوداگو و چه مصرف‌کننده، این بازار را مستعد رشد دیدند. هم‌اکنون تعداد پروانه‌های ساختمانی و پایان کار کاهش یافته‌است. باید تعدیلی در وضعیت ساخت‌وساز به‌ویژه مسکن متناسب با تقاضا به‌وجود بیاید. نهضت ملی مسکن تا زمانی که وارد بازار نشود قابل بهره‌برداری نباشد، اثرگذاری چندانی بر قیمت‌ها نخواهد داشت. در این فرآیند، ما تجربه مسکن مهر را داشتیم که هنوز هم برخی پروژه‌ها با گذشت بیش از ۱۰ سال آماده تحویل نشده‌است. متقاضی مسکن که امروز به خانه نیاز دارد، نمی‌تواند از طریق مسکن دولتی نیاز خود را تامین کند، بنابراین نرخ‌ها در بازار خود را نشان می‌دهند. در حال حاضر، مساله اصلی مجاب شدن سرمایه‌گذاران و افزایش قدرت خرید مصرف‌کنندگان بازار مسکن است که در هر دو بخش تصرف چندانی دیده نمی‌شود. از طرف دیگر، وضعیت بازارهای موازی و موضوع تحولات سیاسی که در پیش داریم، پارامترهای تعیین‌کننده‌تری است، همان‌طور که یاد شد، معتقدم بازار مسکن به‌ماه آینده در یک ثبات قیمتی و رکود معاملاتی قرار می‌گیرد. درباره پیش‌بینی بازار مسکن در نیمه دوم سال، باید امید داشت در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ به فضایی برسیم که نرخ رشد مسکن پایین‌تر از تورم عمومی باشد، در نهایت اینکه راهکار اصلی، کنترل تورم عمومی و افزایش ساخت‌وساز است. ثبات بازار در مراد را نمی‌توان یک تحول اساسی در اقتصاد مسکن دانست؛ فقط می‌توان از واژه‌های ابهام و انتظار برای آن استفاده کرد که امید است در آینده برطرف شود.

نگره

علی بیگلری:

اولین بار عبدالناصر نام خلیج فارس را تعریف کرد

یک کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به تحریف نام خلیج فارس و استفاده از عبارت جعلی اظهار داشت: اولین بار جمال عبدالناصر با این بهانه که «بیشتر سواحل متعلق به کشورهای عربی است ، اسم خلیج فارس را تحریف کرد. علی بیگلری گفت: علت این تحریف آشکار از جانب رئیس‌جمهوری وقت مصر این بود که او درباره موضوع «ظفار» با شاه اختلاف داشت. در واقع شاه توانسته بود، جنبش مارکسیستی ظفار را در عمان شکست بدهد. این اتفاق اختلافی بسیار جدی بین شاه و جمال عبدالناصر به وجود آورد و در راستای همین فضای توأم با تنش، مصری‌ها نام خلیج فارس را تحریف کردند. وی افزود: اینکه اسم یکی از مناطق بسیار مهم و قدیمی ایران تحریف شود، هیچ ارتباطی به موضوع سند و جغرافیا ندارد و مسائلمای سیاسی است. به این دلیل که کشورهای عرب نسبت به شاه حساسیت منفی داشتند و از آنجا که در آن دوره شاه قدرتمند بود و توان رویارویی نداشتند، به تحریف اسم خلیج فارس بسنده می کردند. همچنین اختلافات عراق و صدام با شاه بر علت شد تا عراقی‌ها هم که اذیت شده بودند، پاسخی سیاسی بدهند؛ به‌طوری که صدام در پاسخ به این سوال که «چرا در جنگ اعراب با اسرائیل، کمک نمی‌کنید» گفت، مقصر شاه ایران است که ما را از طریق مرزها تحت فشار قرار داده است که توان و فرصتی برای همکاری با اعراب در جنگ با اسرائیل نداریم. بیگلری تصریح کرد: چالش کشورهای عربی با ایران الان هم وجود دارد. با این حال باید گفت، ریشه تحریف نام خلیج فارس ریشه در ضدیت اعراب با شاه دارد.

سید حمید حسینی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

علت افزایش تورم

درسال ۱۴۰۱

تصمیم مجلس بود

مجلس به ارقام بودجه بیفزاید، تورم تشدید خواهد شد

بودجه باید در راستای اهداف برنامه هفتم توسعه تصویب شود

درآمد داشته باشد.

کرده که برخی این بودجه را از هم اکنون تئوری به علت کسری آن می‌دانند. تحلیل شما از بودجه سال آتی چیست؟

یکی از مشکلات ریشه‌ای اقتصادی کشور بحث کسری بودجه سالانه دولت‌ها و خلق نقدینگی و تورم است. این مورد باعث شده تورم ۲۴ درصدی تا ۵۰ درصدی در اقتصاد را شاهد باشیم.

هر زمان دولت‌ها توانسته‌اند بودجه متعادلی داشته و کسری بودجه را کنترل کنند؛ موفق شده‌اند که نقدینگی خلق نکرده و تورم و افزایش قیمت‌های کمتری بر مردم تحمیل شده است. در دو سال گذشته با این مشکل مواجه بودیم که دولت با کسری‌هایی رویه‌رو بوده است و در نتیجه تورم افزایش یافت.

دولت وعده داده بود که تورم کاهش می‌یابد گویا رئیس دولت قبلی نیز این وعده را داده که با بودجه سال ۱۴۰۱ از میزان تورم کاسته خواهد شد اما علناً اینگونه نشد. علت چیست؟

علت را باید در عملکرد مجلس و افزایش بودجه توسط مجلس جست‌وجو کرد. دولت بودجه ۴۲۰ هزار میلیارد تومان برای سال ۱۴۰۱ پیش‌بینی کرده بود که به ۶۲۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافت. از این منظر رئیس سازمان برنامه و بودجه مرتباً اعلام می‌کرد که بودجه با ۲۰۰ هزار میلیارد تومان کسری روبه‌روست. همچنین رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس هم مرتباً از احتمال کسری بودجه ۴۵۰ هزار میلیاردی اطلاع می‌داد. آمارهای دیوان محاسبات نیز نشان می‌داد که دولت به غیر از مالیات در سایر منابع درآمدی خود نتوانسته بیش از ۱۶۰۰ تا ۷۰درصد درآمدهای خود را محقق کند. از این منظر کارشناسان معتقد بودند حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان از بودجه سالجاری تحقق یابد و حدود ۳۰۰ و اندی هزار میلیارد تومان کسری بودجه داشته باشیم. از این منظر دولت بسیاری از اعتباراتی که باید تخصیص دهد را تخصیص نداده اکثر عمر تخصص‌های نیز در زمینه طرح‌های عمرانی بود اما از هفته گذشته به این سو اعلام شد که همه ارقام بودجه محقق خواهد شد و دولت کسری بودجه نخواهد داشت. این خبر بسیار برای اقتصاد مطلوب است و همه فعالین اقتصادی خوشحال می‌شوند که همه درآمدهای قابل پیش‌بینی دولت محقق شود اما مشاهده می‌شود که تورم وجود دارد. از این رو باید بررسی کرد که چرا تورم به رغم اینکه دولت گفته است کسری بودجه نپاروده، بالااست.

به نظر شما دولت چگونه توانسته با تمام مشکلاتی که داشته اعم از تحریم و... دچار کسری بودجه نشود؟ حداقل دولت در یک مورد به خوبی توانسته درآمد به دست آورد. دولت با حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی درآمدهای خود را افزایش داد. اکنون دولت دلار ۴۲۰۰ تومانی را به ۵۶۰۰ی برابر می‌فروشد. البته این مورد را هم باید اعلام کرد که تحقق این بخش از درآمد در آن به این معنی نیست که همه درآمدهایی که دولت در بخش نفت پیش‌بینی کرده بود، تحقق یافته است. آمار تولید و صادرات و مصرف داخل نشان می‌دهد که دولت حداکثر بین ۸۰۰ هزار تا یک میلیون بشکه نفت و میعانات به فروش رسانده است. البته ممکن است اتفاقاتی این روزها افتاده باشد و بخشی از نفت به فروش رفته باشد و درآمدهایی به دست دولت رسیده باشد و گفته دولت درست باشد. بخشی از درآمد دولت از محل مالیات است. احتمال اینکه این بخش‌ها نیز با درآمد مناسب رویه‌رو بوده است دور از ذهن نیست. البته دولت توانسته اموال خود را واگذار کند که این مورد نیز دیگر راه درآمدی دولت است. البته دولت قصد داشت اوراق منتشر کند. اخیراً نیز نرخ اوراق بالا رفته است و این امکان وجود دارد که با افزایش نرخ اوراق دولت افزایش



آرمان ملی: رئیس‌جمهور لایحه بودجه ۱۴۰۲ را به مجلس شورای اسلامی ارائه داد. در شرایطی لایحه بودجه به مجلس تقدیم شده‌است که کشور عملاً بدون در نظر گرفتن برنامه هفتم توسعه در حال اداره شدن است. قبل از تقدیم لایحه بودجه کارشناسان اقتصادی اعلام کردند بودجه سال آینده با توجه به منابع درآمدی دولت از جمله فروش نفت که احتمال دارد هر روز قیمت آن کاهش یابد و هم‌اینکه مقدار صادرات آن کم شود و از سوی دیگر مخارج دولت نیز روبه افزایش است، این بودجه با کسری مواجه شود اما رئیس‌جمهور اعلام کرده بودجه سال آینده با کسری مواجه نخواهد شد. به نظر می‌رسد منظور رئیس‌جمهور دقیقاً همان بودجه‌ای است که به مجلس شورای اسلامی ارائه داده است اما مشخص نیست نمایندگان در نهایت چه میزان بر بودجه کشور می‌افزایند. این افزایش چنانچه منابعی نداشته باشد که ظاهر اگر هم داشته باشد، تحقق‌پذیر نیست، موجب خواهد شد نقدینگی و چرخش پول در جامعه بیش از انتظار افزایش یافته، بر شتاب رشد نقدینگی و در نهایت تورم افزوده شود. «آرمان ملی» در ارتباط با لایحه بودجه و همچنین بررسی عملکرد اقتصادی دولت با سید حمید حسینی، فعال اقتصادی به گفت و گونشسته است که در ادامه می‌خوانید.

دولت در شرایطی لایحه بودجه را به مجلس تقدیم کرده که برخی این بودجه را از هم اکنون تئوری به

علت کسری آن می‌دانند. تحلیل شما از بودجه سال آتی چیست؟

یکی از مشکلات ریشه‌ای اقتصادی کشور بحث کسری

بودجه سالانه دولت‌ها و خلق نقدینگی و تورم است. این مورد باعث شده تورم ۲۴ درصدی تا ۵۰ درصدی در اقتصاد را شاهد باشیم. هر زمان دولت‌ها توانسته‌اند بودجه متعادلی داشته و کسری بودجه را کنترل کنند؛ موفق شده‌اند که نقدینگی خلق نکرده و تورم و افزایش قیمت‌های کمتری بر مردم تحمیل شده است. در دو سال گذشته با این مشکل مواجه بودیم که دولت با کسری‌هایی رویه‌رو بوده است و در نتیجه تورم افزایش یافت.

دولت وعده داده بود که تورم کاهش می‌یابد گویا رئیس دولت قبلی نیز این وعده را داده که با بودجه سال ۱۴۰۱ از میزان تورم کاسته خواهد شد اما علناً اینگونه نشد. علت چیست؟

علت را باید در عملکرد مجلس و افزایش بودجه توسط مجلس جست‌وجو کرد. دولت بودجه ۴۲۰ هزار میلیارد تومان برای سال ۱۴۰۱ پیش‌بینی کرده بود که به ۶۲۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافت. از این منظر رئیس سازمان برنامه و بودجه مرتباً اعلام می‌کرد که بودجه با ۲۰۰ هزار میلیارد تومان کسری روبه‌روست. همچنین رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس هم مرتباً از احتمال کسری بودجه ۴۵۰ هزار میلیاردی اطلاع می‌داد. آمارهای دیوان محاسبات نیز نشان می‌داد که دولت به غیر از مالیات در سایر منابع درآمدی خود نتوانسته بیش از ۱۶۰۰ تا ۷۰درصد درآمدهای خود را محقق کند. از این منظر کارشناسان معتقد بودند حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان از بودجه سالجاری تحقق یابد و حدود ۳۰۰ و اندی هزار میلیارد تومان کسری بودجه داشته باشیم. از این منظر دولت بسیاری از اعتباراتی که باید تخصیص دهد را تخصیص نداده اکثر عمر تخصص‌های نیز در زمینه طرح‌های عمرانی بود اما از هفته گذشته به این سو اعلام شد که همه ارقام بودجه محقق خواهد شد و دولت کسری بودجه نخواهد داشت. این خبر بسیار برای اقتصاد مطلوب است و همه فعالین اقتصادی خوشحال می‌شوند که همه درآمدهای قابل پیش‌بینی دولت محقق شود اما مشاهده می‌شود که تورم وجود دارد. از این رو باید بررسی کرد که چرا تورم به رغم اینکه دولت گفته است کسری بودجه نپاروده، بالااست.

به نظر شما دولت چگونه توانسته با تمام مشکلاتی که داشته اعم از تحریم و... دچار کسری بودجه نشود؟ حداقل دولت در یک مورد به خوبی توانسته درآمد به دست آورد. دولت با حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی درآمدهای خود را افزایش داد. اکنون دولت دلار ۴۲۰۰ تومانی را به ۵۶۰۰ی برابر می‌فروشد. البته این مورد را هم باید اعلام کرد که تحقق این بخش از درآمد در آن به این معنی نیست که همه درآمدهایی که دولت در بخش نفت پیش‌بینی کرده بود، تحقق یافته است. آمار تولید و صادرات و مصرف داخل نشان می‌دهد که دولت حداکثر بین ۸۰۰ هزار تا یک میلیون بشکه نفت و میعانات به فروش رسانده است. البته ممکن است اتفاقاتی این روزها افتاده باشد و بخشی از نفت به فروش رفته باشد و درآمدهایی به دست دولت رسیده باشد و گفته دولت درست باشد. بخشی از درآمد دولت از محل مالیات است. احتمال اینکه این بخش‌ها نیز با درآمد مناسب رویه‌رو بوده است دور از ذهن نیست. البته دولت توانسته اموال خود را واگذار کند که این مورد نیز دیگر راه درآمدی دولت است. البته دولت قصد داشت اوراق منتشر کند. اخیراً نیز نرخ اوراق بالا رفته است و این امکان وجود دارد که با افزایش نرخ اوراق دولت افزایش

دولت در شرایطی لایحه بودجه را به مجلس تقدیم کرده که برخی این بودجه را از هم اکنون تئوری به

علت کسری آن می‌دانند. تحلیل شما از بودجه سال آتی چیست؟

یکی از مشکلات ریشه‌ای اقتصادی کشور بحث کسری بودجه سالانه دولت‌ها و خلق نقدینگی و تورم است. این مورد باعث شده تورم ۲۴ درصدی تا ۵۰ درصدی در اقتصاد را شاهد باشیم. هر زمان دولت‌ها توانسته‌اند بودجه متعادلی داشته و کسری بودجه را کنترل کنند؛ موفق شده‌اند که نقدینگی خلق نکرده و تورم و افزایش قیمت‌های کمتری بر مردم تحمیل شده‌است.

دولت در یک مورد به خوبی توانسته درآمد به دست آورد. دولت با حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی درآمدهای خود را افزایش داد. اکنون دولت دلار ۴۲۰۰ تومانی را به ۵۶۰۰ی برابر می‌فروشد. البته این مورد را هم باید اعلام کرد که تحقق این بخش از درآمد در آن به این معنی نیست که همه درآمدهایی که دولت در بخش نفت پیش‌بینی کرده‌اند؛ در سال آینده بودجه‌ای در بودجه با توسل به لابی

بودجه با کسری مواجه شده و دولت باید با میزان مصرف خود بکاهد یا اینکه روی به سوی سیاست‌هایی برای خلق پول آورد. در این صورت شاید بتوان امیدوار بود که سال آینده از نظر اقتصادی با وضعیت بهتری مواجه خواهیم بود. مجلس چه وظیفه‌ای نسبت به بودجه‌ای که دولت به آنها برای تصویب تقدیم کرده‌دارد؟ بودجه به صورت کلی باید به صورت کارشناسی مورد بررسی قرار گرفته و تصویب شود. زیرا همواره این دغدغه وجود دارد که برخی ردیف‌هایی در بودجه با توسل به لابی در کمیسیون‌ها تاسیس شود و اعدادی به درآمد دولت اضافه شود و محل‌هایی برای درآمدهای جدید برای دولت ایجاد می‌شود که در عمل محقق نمی‌شود. به نظر به سمتی باید حرکت کرد که جلوی طرح‌های یکباره را در بودجه سال آینده گرفته شود. نمایندگان مجلس باید حرفه‌ای‌تر عمل کرده و هر درآمد و محل برای خرج درآمدها را به تصویب نرسانند. از این رو باید امیدوار بود که در سال سوم مجلس که نمایندگان آثار اقدامات قبلی خود را مشاهده کرده‌اند؛ در سال آینده بودجه‌ای منطقی‌تر را به تصویب برسانند.

به لحاظ سیاسی دولت با وجود اینکه در اولین سال خود بودجه‌ای را پیاده‌سازی کرد که خود در آن نقش نداشت اکنون ممکن است بودجه‌ای تورم‌زا بنگارد؟

دولت با توجه به تجربیاتی که در اجرای بودجه سالجاری داشته است، اکنون باید بودجه کارشناسانه‌تری را نگارش کرده باشد اگرچه دولت مجدداً قول افزایش حقوق‌ها داده است و به‌طور طبیعی با افزایش هزینه‌هایی روبه‌رو خواهد شد. از این منظر و قاعداً تا سقف بودجه افزایش خواهد یافت. حتی شنیده شده است که سقف بودجه یک الی دو هزار همت افزایش یافته. البته باید بودجه‌ای که تقدیم مجلس شده را بررسی کرد و دید آیا در آن هدفمندی یارانه‌ها وجود دارد آیا یارانه‌های انرژی تعدیل خواهد شد یا خیر، قیمت گاز پتروشیمی‌ها تغییر می‌کند یا خیر بعد در مورد اینکه بودجه تا چه میزان تورم‌زا یا ضد تورم است سخن گفت اما در هر صورت دولت‌ها به صورت طبیعی مقداری مخارج خود را به صورت سالانه افزایش می‌دهند.

دولت منابع درآمدی جدیدی را ایجاد نکرده است که با تکیه به آن بتوان مدعی شد که دولت احتمالاً با

کسری بودجه مواجه نخواهد شد؟

اتفاقاً دولت با توسل به واردات خودرو به میزان قابل توجهی به سطح درآمدهای خود افزوده است و به عبارت بهتر سطح درآمدی دولت از این منظر مطلوب است حال باید دید دولت قصد دارد به واردات خودرو بیفزاید یا نه در صورت اینکه شاید واردات خودرو در سال آینده باشیم درآمد خوبی هم در سال آینده نصیب دولت خواهد شد. همچنین دولت باید برنامه ۷ ساله را که عملاً تا این لحظه به مجلس ارائه نداده است به مبنای همین قانون بودجه به تصویب برساند، چرا که نمی‌شود شرایطی را ایجاد کرد که برنامه ۷ ساله توسعه ساز خود را بنوازد و بودجه‌های سالانه کارکرد خود را داشته باشد.

بودجه امسال یک برنامه هفتم کشور است. هر چند هنوز خبری از ارائه برنامه هفتم توسعه نیست، اما از نظر شما اولویت‌های این برنامه باید چگونه تعیین شود که شاهد بهبود شرایط اقتصادی باشیم؟

بخش قابل توجهی از مشکلات اقتصادی به یارانه‌ها بازمی‌گردد. یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم از این منظر در برنامه هفتم توسعه یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها بحث بهینه‌سازی مصرف سوخت باید باشد. بهینه‌سازی در معنای افزایش بهره‌وری کشور است. در برنامه بودجه ۱۴۰۱ مقدار قابل توجهی بودجه وجود داشت که هم گازهای فلر را جمع‌آوری کنیم و هم اینکه امکان بهینه‌سازی مصرف سوخت فراهم شود. امروز موتورخانه‌ها و کولرهای گازی هم سهم میزان مصرف انرژی را در ایران افزایش داده‌است. از این منظر باید در برنامه توسعه به حداقل رساندن مصرف انرژی توجه شود. همچنین خروج خودروهای اسقاطی هم به کاهش مصرف سوخت در کشورمان کمک می‌کنند. اگر در این جهت حرکت شود در نهایت جلوی افزایش مصرف انرژی در ایران که امروز دیگر نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ گرفته خواهد شد. همچنین مواردی باید در دستور کار قرار گیرد تا از مشکلات در آینده جلوگیری شود. امروز فشارهای زیادی در بحث انرژی و در پرداخت یارانه‌ها به دولت وارد می‌شود. از این رو بودجه سال آینده باید در راستای اهداف برنامه هفتم توسعه تصویب شود، به‌طوری که شاهد حداقل‌ها در کسر بودجه و خلق نقدینگی باشیم.

آیا دغدغه‌ای برای اینکه بر اساس یک برنامه بالادستی بودجه را به نگارش درآید وجود دارد؟ کارشناسان می‌گویند که آرزوهای خود را اعلام کنند. اینکه دولت چگونه عمل می‌کند و دولت با اینکه تکلیف داشته است هنوز برنامه توسعه را تقدیم مجلس نکرده، باید به دغدغه تبدیل شود. دولت یک سال برنامه ششم توسعه را تمدید کرده است و هنوز هم برنامه هفتم توسعه را به مجلس ارائه نداده است. این کوتاهی در شرایطی است که هم رهبری سیاست‌های کلی را ارائه داده است و هم مجمع اقدامات خود را در این ارتباط انجام داده است اما سازمان برنامه به وظیفه خود در این زمینه توجه نکرده است و از سوی دیگر به تازگی بحث ایجاد تغییر و تحولات در سازمان برنامه مطرح شده. این در حالی است که مجلس اصرار داشت که در ابتدا برنامه توسعه را بررسی کند و بعد بودجه را ارائه دهد اما در نهایت بودجه و نه برنامه به مجلس ارائه شد البته این امکان وجود دارد که مجلس بودجه را به صورت کامل تصویب نکند و بودجه سه دوازدهم را به تصویب برساند، چراکه این بحث در مجلس وجود دارد که در حال حاضر نمی‌توان کل بودجه را در این فرصت تصویب کرد. بقیه بودجه را باید بعد از برنامه به تصویب رساند. از این رو مشخص نیست که تکلیف دولت چه خواهد شد و مجلس در این ارتباط چه خواهد کرد، اما در اینجا آنچه مهم است این است که اگر مجلس به رقم بودجه بیفزاید تورم تشدید خواهد شد.

نگره

مردسایه‌ها

مخالف همیشگی برجام

«ما هیچگاه ذیل فصل هفت منشور ملل متحد نبوده‌ایم و برجام خسارت محض بوده است.» اینها اظهارات سعید جلیلی، مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران در دولت محمود احمدی‌نژاد در جمع اساتید دانشگاه پردرد ۱۲ دی ماه است که بازتاب بسیار گسترده‌ای در میان رسانه‌ها، ناظران سیاسی و افکار عمومی داشته است. فرارو نوشت، گفته جلیلی در ارتباط با ذیل هفت نبودن ایران بیش از هر بخش دیگری از اظهاراتش با واکنش همراه شده است. در مقدمه همه قطعه‌نامه‌های شورای امنیت علیه ایران از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ با جوهر سیاه روی کاغذ سفید نوشته «تحت فصل هفتم» اقدام می‌شود. ماده ۴۱ هم ماده‌ای از همین فصل است! بسیاری از رسانه‌ها به بازنشر اظهارات محمد جواد ظریف، وزیر خارجه سابق در ارتباط با ادعاهای جلیلی پرداختند. البته داستان مخالفت‌های جلیلی و تیم همراه او با برجام نه جدید است و نه غیرمنتظره. جلیلی در تمامی روزهای بعد از امضای برجام و در تمامی مراحل مذاکرات وین برای احیای توافق، در بیش از دو سال گذشته همواره مخالف بوده است. در همان ابتدای امضای برجام بود که جلیلی در اظهاراتی گفته بود: در تنظیم برجام از ۱۰۰ حق مسلم ایران صرف نظر شده است. جلیلی و همراهانش، حتی بعد از روی کار آمدن دولت اصولگرای سیزدهم نیز از هیچ تلاشی برای مخالفت با احیای توافق و پایان مذاکرات فروگذاری نکرده‌اند. در مهم‌ترین نمود، در بهمن ماه سال قبل نیز خبرهایی پیرامون نامه ۲۰۰ صفحه‌ای جلیلی به رهبر معظم انقلاب در نقد مذاکرات وین منتشر شد. در ابتدا ادعا شد در این نامه جلیلی، مخالفت خود را با رویه تیم مذاکره‌کننده اعلام و خواستار خروج از برجام، غنی‌سازی ۹۰ درصدی و سپس مذاکره با آمریکا شده، اما بعدتر جلیلی در اظهاراتی ماجرای نامه را مربوط به شش ماه قبل و در ارتباط با نقد گزارش دولت روحانی به مجلس در ارتباط با دستاوردهای برجام معرفی کرد. در همین ایام، در ۲۱ بهمن ماه او برای نشان دادن بی‌نیازی کشور به برجام گفته بود یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت می‌فروشیم و پولش را هم می‌گیریم. در ادامه مسعود درخشان، کارشناس ارشد اقتصاد انرژی، از چهره‌های نزدیک به جلیلی نیز گفت: اگر مذاکرات برای افزایش فروش نفت باشد، تصمیم که چرا مذاکره‌کنندگان در وین نشست‌اند.

دولت در سایه جلیلی و برجام

در روزهای بعد از آغاز به کار دولت سیزدهم، برخی ناظران این فرضیه را مطرح می‌کنند که جلیلی کشور به سایه‌ار بازی خواهد کرد. جلیلی که در رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری به نفع سید ابراهیم رئیسی کنار کشیده بود، در دولت هیچ سستی را عهده‌دار ندارد، اما با انتصاب علی باقری کنی، دست راست جلیلی به عنوان معاون سیاسی وزارت خارجه و رئیس تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران، نقش ویژه جلیلی در پرونده توافق هسته‌ای نمایان شد. هر چند جلیلی رسماً حضور ندارد، اما آن‌چنانکه خود او مراد ماه امسال مدعی شده، برای کمک به دولت حتماً لازم نیست مسئولیتی داشت.

رویکرد ویژه جلیلی نسبت به برجام و رای اینکه واقعا سعید جلیلی نقش دولت در سایه دارد یا خیر، نقش ویژه او در پرونده هسته‌ای غیرقابل انکار است. نقش ویژه‌ای که با تامل در رویکرد او نسبت به مذاکرات احیای برجام و وضعیت کنونی پرونده توافق هسته‌ای بیشتر نمایان می‌شود. جلیلی اساساً به نتیجه‌بخش بودن مذاکرات خوشبین نیست و نتایج خوبی از آن حاصل نمی‌شود. از دیدگاه او باید از موضع قدرت و غنی‌سازی بالا (شاید ۹۰) درصدی وارد مذاکره شد تا طرف مقابل در مصدکری بداند ابزار قدرت دست کیست. پس از غنی‌سازی بالا دیگر خروج از برجام هم اهمیت ندارد و می‌توان وارد مذاکره شد و امتیازات لازم و رفع تحریم‌ها را گرفت. جلیلی مشکلی با طولانی شدن مذاکرات نیز ندارد و معتقد است که فرسایشی شدن مذاکرات به ضرر طرف مقابل است و نه ایران! او معتقد است که در دنیا ۲۰۰ کشور وجود دارد و نباید کشور را معطل مذاکره و اراده چند قدرت دنیا نگه داشت، این مدیریت فرصت‌هاست که اهمیت دارد. همچنین، معتقد است که باید در سیاست خارجی به دنبال مناسبات با بازگراینی بود که با آن‌ها نقاط اشتراک داریم تا توان کشور افزایش پیدا کند. هویداست از نگاه جلیلی بازگشت به برجام ۲۰۱۵ خسارت محض و پیامدهای سویی برای کشور دارد. اما حالا پرسش این است که آقای جلیلی و همفکرانش حاضر هستند مسئولیت آثار و تبعات عدم احیای برجام را بپذیرند؟

